

## بحران بحرین

سید سعید هاشمی نسب<sup>۱</sup>

### مقدمه:

بحرین کشوری جزیره‌ای در جنوب خلیج فارس است که در سال ۱۹۷۱ میلادی از ایران جدا گردید. این کشور با حدود ۷۶۰ کیلومتر مربع وسعت، کوچکترین کشور حوزه خلیج فارس محسوب می‌شود که جمعیتی ۱/۲۱۴/۷۰۵ نفری را در خود جای داده است. حدود ۲۳۵ هزار نفر از جمعیت بحرین خارجی‌هایی هستند که در این کشور زندگی می‌کنند. بنا بر اطلاعات موجود حدود ۸۱.۲٪ از ساکنان بحرین مسلمان و ۹٪ نیز مسیحی هستند و ۹.۸٪ از ساکنان بحرین نیز از مذاهب دیگر می‌باشند. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که جمعیت غیر مسلمان بحرین از خارجی‌هایی هستند که برای کار به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند.<sup>۲</sup>

بحرین در طی قرون اخیر، به عنوان کشوری با جمعیت اکثریتی شیعه توسط اقلیت اهل سنت اداره می‌شود که با شکل غیر دمکراتیک حکومتی توانسته‌اند در طی سالیان بر شیعیان تسلط داشته و اعتراضات مختلف مردمی را سرکوب کنند. در مورد میزان جمعیت شیعیان در بحرین آمارهای مختلفی بیان شده که از ۷۰ تا ۸۵ درصد جمعیت کل مسلمانان را شامل می‌شود. نبود آمارهای دقیق در مورد جمعیت شیعیان بحرین خود به سیستم اقتدارگرای حکومت آل خلیفه باز می‌گردد که اجازه نمی‌دهد تصویری شفاف از شیعیان بحرین بدست آید.

به دلیل همین فضای بسته سیاسی است که مردم بحرین بار دیگر و برای چندمین بار در طی سالیان اخیر، دوشادوش دیگر مردمان سرزمین‌های جهان عرب از ۲۴ بهمن سال ۱۳۸۹ به خیابان‌ها آمده و خواستار تغییرات اساسی در ساختار سیاسی کشورشان شدند. نکته‌ای که

<sup>۱</sup> - کارشناس آفریقا و عربی

در این میان جلب توجه می‌کند، توجه ویژه‌ای است که حکومت‌های به ظاهر سنی، به ویژه عربستان به حوادث بحرین دارند و برخلاف پدیده‌های شمال آفریقا سعی دارند آن را فرقه‌ای و مذهبی جلوه دهند تا با این بهانه به سرکوب این قیام پردازند.

شیعیان جهان نیز به دلیل جمعیت اکثریتی شیعه در بحرین و برخورد شدید و غیر انسانی نظامیان بحرینی<sup>۱</sup> به همراه نیروهای عربستانی و اماراتی<sup>۲</sup> با مردم، توجه ویژه‌ای به حوادث بحرین دارند. با توجه به اهمیت این مسئله و نگاه ویژه‌ای که می‌بایست به شیعیان و مردم مظلوم بحرین داشت، با محوریت این پرسش که «ریشه‌ها، چرایی و چگونگی حوادث اخیر بحرین چیست و چه راه کارهای برای رسیدن مردم بحرین به حقوق اولیه خود وجود دارد؟» به بررسی تحولات بحرین می‌پردازیم. برای بررسی این قیام لازم است در ابتدا تاریخچه‌ای از کشور بحرین و بخصوص قیام‌ها و شورش‌های قرن گذشته میلادی را مرور می‌کنیم؛ در ادامه به چگونگی شکل‌گیری حوادث اخیر می‌پردازیم و سعی می‌کنیم به طور خلاصه به ریشه‌های حوادث اشاره داشته باشیم. نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مسئله دیگری است که مورد کندوکاو قرار می‌گیرد و در انتها نیز در حد بضاعت راه کارهایی برای حل این بحران پیشنهاد می‌شود.

### تاریخچه مبارزات مردم بحرین

بحرین سرزمینی است که از قبل از میلاد مسیح جزو سرزمین ایران محسوب می‌شده است و به گفته تاریخ‌نویسان مسلمان، از اولین شهرهای ایران بود که به اسلام روی آورد و از همان قرون ابتدایی نیز پیروان اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> در بحرین گسترش یافت. در حال حاضر بحرین پس از ایران، عراق و آذربایجان چهارمین مرکز شیعی در جهان است که حوزه‌های علمی دینی آن از ۴۰۰ سال گذشته فعال بوده است. خلیج فارس از سال ۱۵۲۱ به بعد مورد تاخت و تاز کشورهای استعمارگری چون

۱ - نیروهای موسوم به صاعقه

۲ - نیروی نظامی شورای همکاری خلیج فارس موسوم به سپر جزیره

پرتغال، هلند و بریتانیا قرار گرفت<sup>۱</sup>. در این میان بحرین به دلیل موقعیت استراتژیک آن در خلیج فارس مورد توجه استعمارگران قرار گرفت که به علت همین امر از قرن ۱۸ انگلستان در اندیشه تسلط بر این منطقه بود، تا آنجا که این کشور از سال ۱۷۸۳ با حمایت انگلستان بدست خاندان آل خلیفه افتاد. این خاندان که دارای عقبه عشیره‌ای در شبه جزیره عربستان بود به تدریج اندیشه جدایی‌طلبی پیدا کرد و طبق یک نظرسنجی سوال برانگیز در سال ۱۹۷۱ از ایران به طور رسمی جدا گردید<sup>۲</sup>. در ادامه به شکل خلاصه مبارزه مردم علیه حکومت دست نشانده آل خلیفه گردآوری شده است:

- ۱۸۹۵: اعتراض مردمی علیه استعمار پیر و ظلم و ستم آل خلیفه؛

- دهه ۱۹۳۰: قیام مردم بحرین که در آن شیعیان و اهل سنت خواستار اصلاحات سیاسی و دینی در بحرین بودند که توسط انگلستان سرکوب شد؛

- دهه ۱۹۵۰: آزادی خواهی مردم شهرهای محرق، منامه و سنابس و درخواست تشکیل مجلس و سندیکاهای کارگری و سرکوب آن توسط حکومت؛

- ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰: مبارزه برای خروج استعمار؛

- ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳: پیروزی قیام مردم و تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس؛

- ۱۹۷۵: تعطیلی مجلس و تعلیق کامل قانون اساسی تا سال ۲۰۰۲<sup>۳</sup>؛

- ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹: ۱۴ نفر از نخبگان بحرینی در اکتبر ۱۹۹۴ خواستار بازگشت به دوران دموکراسی پارلمانی شدند. مردم بحرین نیز طی طوماری با ۲۵ هزار امضاء در همین سال خواستار احیاء قانون اساسی و مجلس شدند. اما خاندان آل خلیفه آنها را متهم به ارتباط با خارج می‌کرد و از آنها به عنوان بنیادگرا نام می‌برد. این اتهامات طبق بیانیه ای در مارس ۱۹۹۹ از سوی مخالفین تکذیب شد و آنان خود را گروهی دموکراتیک با محوریت ارزش‌های اسلامی خواندند<sup>۴</sup>.

از ۱۹۹۴ تا سال ۱۹۹۹ نزاع‌های داخلی در فضای سیاسی بحرین جریان داشت و امیر سابق بحرین «شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه» از هرگونه نرمشی در مقابل خواسته‌های

<sup>۱</sup> - مرتضی بحرانی، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۱، ص ۳۳

<sup>۲</sup> - پیروز مجتهدزاده، «نگاهی به یک مثلث ژئوپلتیک در خلیج فارس»، ترجمه حمید رضا ملک‌زاده نوری، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، س ۷، ش ۷۱-۷۲، صص ۱۴-۱۹

<sup>۳</sup> - پیروز مجتهدزاده، «جنبش‌های سیاسی بحرین و ابعاد منطقه‌ای آن»، سیاست خارجی، ش ۲، صفحات متعدد

<sup>۴</sup> - مرتضی بحرانی، ص ۹ و ۶۲

مردم جلوگیری می‌کرد تا این که وی در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۷ ش) درگذشت و پسر ارشدش «شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه» با وعده‌هایی در مورد اصلاحات سیاسی به قدرت رسید.

### تحلیلی از چگونگی حوادث اخیر

همانطور که بیان گردید شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه با قول‌های برای اصلاحات سیاسی به قدرت رسید. ایشان بر اساس همین وعده با رهبران معارض که در زندان به سر می‌بردند به گفت‌وگو پرداخت. رهبران معارض عبارت بودند از «شیخ عبد الامیر جمری»، «عبدالوهاب حسین» دبیر کل حرکت الوفا الاسلامی و «حسن مشیمع» دبیر کل جنبش حق.

مطابق این گفت‌وگوها مقرر شد با همکاری گروه‌های مختلف بخصوص شیعیان، میثاق ملی با محورهای زیر به رفراندوم گذاشته شود: آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت تبعیدی‌ها، تعلیق قانون حالت فوق العاده، تاسیس پارلمان و عمل به قانون اساسی مصوب سال ۱۹۷۳. بر این اساس میثاق ملی در سال ۲۰۰۰ میلادی (بهمن ماه ۱۳۷۹) به رای گذاشته شد که با ۹۸.۴٪ آرای مثبت مردم لازم الاجرا گردید. میثاق ملی بحرین متضمن اصلاحات سیاسی از جمله تغییر نظام امیری به پادشاهی مشروطه، تشکیل مجلس انتخابی و برگزاری انتخابات آزاد بود و در همین راستا کمیته‌ای به ریاست ولیعهد این کشور به منظور نظارت بر اجرای قانون اساسی و منشور ملی این کشور تشکیل شد.

بر حسب قول‌های که برای اصلاحات سیاسی صورت گرفت، قانون اساسی جدید متشکل از ۱۲۵ اصل در ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ به تصویب پادشاه رسید که طبق آن بحرین دارای حکومت پادشاهی مشروطه و موروثی گردید که از پدر به پسر ارشد انتقال می‌یابد. طبق این قانون پادشاه با این که مشروطه محسوب می‌شود اما دارای اختیارات بالایی است که دست وی را در باز تولید حکومت استبدادی و اقتدارگرایی سابق باز می‌گذارد.

خلاصه‌ای از اختیارات قانونی پادشاه در قانون اساسی جدید بدین شرح است: نظارت مستقیم بر هیات دولت از طریق وزرای انتصابی و پاسخ‌گویی تمام وزیران در مقابل پادشاه؛ تعیین و برکناری نخست‌وزیر با صدور حکم سلطنتی و تعیین و برکناری وزرا بنا به پیشنهاد نخست‌وزیر؛ تعیین و برکناری اعضای مجلس مشورتی (شورا)؛ فرماندهی عالی نیروهای مسلح؛ ریاست شورای عالی قضایی و تعیین قضات بنا به پیشنهاد شورای عالی قضایی؛ اعطای بازپس‌گیری درجات کشوری و لشکری. در کنار اختیارات بالا، پادشاه حق توشیح یا عدم توشیح مصوبات مجلس را نیز دارد که به تسلط پادشاه بر روند تدوین قوانین می‌افزاید. با توجه به موارد بالا باید اذعان کرد که نظام بحرین نه پادشاهی مشروطه، بلکه نظامی اقتدارگرا است که تمام قدرت در دست پادشاه قرار دارد.<sup>۱</sup>

با به قدرت رسیدن شیخ حمد آل خلیفه و ایجاد آرامشی نسبی در بحرین، آل خلیفه توانست با ترفندهای مختلف نفوذ و قدرت خود را در بحرین گسترش دهد. در این میان تغییر بافت جمعیتی بحرین به هدف از اکثریت انداختن شیعیان در برنامه کاری حکومت قرار گرفته که مورد اعتراض شیعیان واقع شد، اما هیچ‌گاه این پروژه متوقف نگردید، با این که در دهه اخیر جزو خواسته‌های همیشگی شیعیان بوده است.<sup>۲</sup> در همین راستا بود که به غیر از چند وزارتخانه همه مناصب در دست آل خلیفه قرار داشت و اجازه ورود دیگران را به قدرت نمی‌دادند و به اصطلاح چرخش نخبگانی در کار نبود.<sup>۳</sup>

بر اساس وعده‌هایی که شیخ حمد به معترضان داده بود پارلمان و مجلس مشورتی در سال ۲۰۰۲ تشکیل شد. طبق قانون اساسی جدید بحرین، قوه مقننه این کشور از دو مجلس شورا و مجلس نمایندگان تشکیل یافته که مجلس شورا با ۴۰ عضو از طرف پادشاه به مدت ۴ سال منصوب می‌شوند و مجلس نمایندگان نیز دارای ۴۰ عضو است

<sup>۱</sup> - قانون اساسی بحرین، به نقل از <http://www.hvm.ir>

<sup>۲</sup> - سیف الرضا شهبانی، دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۲۳۵

<sup>۳</sup> - مصاحبه با راشد الراشد، سایت تابناک ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ به آدرس <http://www.Tabnak.ir>

که از طریق آراء مستقیم و مخفیانه مردم برای ۴ سال انتخاب می‌شود. طبق ماده ۶۵ قانون اساسی بحرین، امیر این کشور می‌تواند مجلس ملی را منحل نماید<sup>۱</sup>. با این وجود در سال ۲۰۰۲ تمام گروه‌های شیعی بحرین انتخابات را تحریم کردند. علت این تحریم را می‌توان ناشی از سرخوردگی در اصلاحاتی دانست که شیخ حمد قول به انجامش را داده بود که در عمل این اصلاحات به قدرت بیشتر پادشاه انجامید و تنها نام پادشاهی مشروطه را یدک می‌کشید<sup>۲</sup>.

در این سال‌ها گروه‌های مختلفی همچون جمعیت تجمع ملی دموکراتیک بحرین، جنبش احرار، شورای حقوق بشر بحرین، جمعیت ترقی‌خواه المنبر، جنبش آزادی‌ها و دموکراسی حق و... علیه حکومت بحرین فعالیت می‌کردند که طیف‌های مختلف معترضین از شیعه تا سنی و از نیروهای چپ تا اسلامی را شامل می‌شد. اما دو جمعیتی که نقش اساسی را در رهبری اعتراضات بر عهده داشتند، جمعیت عمل اسلامی بحرین و جمعیت وفاق ملی بحرین بوده و هستند که هر دو از گروه‌های شیعی محسوب می‌شوند. این دو گروه شیعه با این که در سال ۲۰۰۲ با استراتژی واحدی علیه رژیم عمل می‌کردند، اما در سال ۲۰۰۶ با تصمیم جمعیت وفاق برای شرکت در انتخابات، اختلافاتی بین آنها شکل گرفت که این اختلاف در حال حاضر هم وجود دارد که برای توضیح آن لازم است به شکل‌گیری این دو گروه اشاره شود.

جمعیت عمل اسلامی با ۴۱۰ عضو در ۶ نوامبر ۲۰۰۲ رسماً اعلام موجودیت کرد و اهداف خود را چنین برشمرد: تلاش برای تثبیت و حمایت از تطبیق دولت قانون‌گرا و موسسات دولتی با شریعت اسلام؛ تلاش برای سرنگونی طائفه‌گرایی و تبعیض نژادی، آزادی اندیشه و آزادی‌های فردی برای همه مردم؛ رعایت حقوق شهروندی و... ریاست این جمعیت بر عهده «شیخ محمدعلی محفوظ» از روحانیون شیعه بحرین است. این جمعیت از همان سال ۲۰۰۲ به دلیل عدم تحقق وعده‌های پادشاه در مورد اصلاحات

<sup>۱</sup> - قانون اساسی بحرین.

<sup>۲</sup> - علی طاهایی، «بحرین: فریاد فروخته شیعیان عرب»، ویژه نامه فرهنگ عمومی، فروردین ۱۳۹۰، ص ۱۹۱.

سیاسی، انتخابات پارلمان را در سه دوره متوالی آن تحریم کرده است که به همین دلیل چالش‌های عمده‌ای با حکومت بحرین داشته است. این جمعیت هرگونه همکاری با حکومت را نوعی مشروعیت دادن به رژیم آل خلیفه می‌داند.<sup>۱</sup>

جمعیت الوفاق نیز در نوامبر ۲۰۰۱ شروع به کار کرد که از اهداف این جمعیت می‌توان به تحقق آزادی، عدالت و برابری در سایه نگاه اسلامی اشاره کرد. این جمعیت بر خلاف جمعیت عمل اسلامی در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ در انتخابات شرکت کرد. این تصمیم موجب شد که انشقاقی در بین شیعیان شکل بگیرد چرا که بسیاری از فعالان سیاسی بحرین معتقدند که حضور در عرصه سیاسی کشور موجب مشروعیت بخشی به حکومت نامشروع و سرکوب‌گر آل خلیفه خواهد شد.<sup>۲</sup>

الوفاق با شرکت در انتخابات ۲۰۰۶ توانست در غیاب سایر احزاب و گروه‌های شیعی ۱۷ کرسی از ۴۰ کرسی مجلس را بدست آورد و در سال ۲۰۱۰ نیز ۱۸ کرسی یعنی ۴۵٪ کرسی‌های مجلس را بدست آورد. اما در عمل مشخص شد به دلیل ساختار خاص حکومت در بحرین که قبلاً توضیح داده شد، مجلس انتخابی قدرت زیادی در اداره امور کشوری نداشته و همیشه در حاشیه قرار داشته است.

با توجه به شکست مذاکرات و گفت‌وگوهایی که بین گروه‌های معارض (شیعی یا سنی) با حکومت آل خلیفه شکل گرفته بود، تشکل‌های جوانی که در زیر مجموعه این گروه‌ها بخصوص در جمعیت عمل اسلامی، فعالیت می‌کردند، با الگوگیری از حرکت جوانان در تونس و مصر روز ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ (۲۵ بهمن ۱۳۸۹) را روز خشم اعلام نمودند. انتخاب این روز نیز نشان از ریشه‌های عمیق این اعتراضات دارد. همانگونه که توضیح داده شد مطابق میثاق ملی که در سال ۲۰۰۰ میلادی (۱۳۷۹ ش) به فرمانم گذاشته شد کشور می‌بایست به سمت دموکراسی پارلمانی و پادشاهی مشروطه پیش می‌رفت، اما شیخ حمد و رژیم او در ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ قانون اساسی فعلی را بدون نظر

<sup>۱</sup>- همان

<sup>۲</sup>- همان، ص ۱۹۲

خواهی از مردم به اجرا گذاشت که پادشاه در آن اختیارات زیادی دارد و خیانت به میثاق ملی مصوب مردم محسوب می‌شود. از همین رو است که جوانان بحرینی روز ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ را روز خشم اعلام کردند.

پس از اعلام روز خشم، مردم بحرین یک روز زودتر یعنی در ۱۳ فوریه (۲۴ بهمن) به خیابان‌ها آمدند و اعتراض خود را به شکل مسالمت‌آمیز بیان کردند. این اتفاق خود نشان از عمق انزجار مردم از حکومت آل خلیفه دارد. در مقابل این حوادث رژیم آل خلیفه موضع‌گیری‌های متناقضی داشت که پس از دو ماه به سرکوب شدید مردم بحرین انجامید.

### ریشه‌ها و عوامل تحولات اخیر

در سطور قبل سعی شد تا با اشاره به روند تاریخی اعتراضات در بحرین به چگونگی شکل‌گیری این بحران اشاره شود. در ادامه تلاش می‌شود تا ریشه‌های این بحران به تفکیک بیان شود. به طور کلی می‌توان ریشه‌های بحران را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱) **حکومت اقلیت بر اکثریت:** جمعیت آل خلیفه که بر بحرین حکومت می‌کنند حدود ۳۰۰۰ نفر هستند که تمام مناصب حکومتی را قبضه کرده‌اند. به طوری که غیر از منصب پادشاهی دیگر مناصب حکومتی نیز در دست آنها قرار دارد. در این میان نخست وزیر بحرین شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه از ۱۹۷۱ تاکنون منصب نخست وزیر را برعهده دارد<sup>۱</sup> و طی این سال‌ها سرکوب مردم به دست ایشان انجام شده است. در این میان با وجود جمعیت اکثریتی پیروان اهل بیت<sup>(ع)</sup> این اهل سنت هستند که بر امور مسلط هستند و از طرفی فشار زیادی را بر شیعیان وارد می‌کنند.

۲) **ممانعت از مشارکت سیاسی پیروان اهل بیت<sup>(ع)</sup>:** در راستای حکومت اقلیت بر اکثریت مناصب حکومتی به شیعیان داده نمی‌شود. جالب آنجا که حکومت با ترفندهای مختلف سعی دارد فشار این جمعیت اکثریتی را خنثی کند؛ چنان که در انتخابات مجلس،

<sup>۱</sup> - سعید بختیاری (تحت نظر ایشان)، اطلس جامع گیتاشناسی، تهران؛ موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۸، ص ۸۳



انتخابات به شکلی مهندسی شده بود که در بهترین حالت تنها ۱۸ نماینده شیعه می‌توانستند وارد مجلس شوند.

**۳) تغییر بافت جمعیتی بحرین:** حکومت بحرین برای تغییر بافت جمعیتی بحرین به نفع اهل سنت به مهاجران سنی از کشورهای چون پاکستان، بنگلادش، اردن و... تابعیت داده که اکثر آنها هیچ تخصصی هم ندارند و به امید گرفتن زمین به بحرین می‌آیند. هم‌چنین حکومت بحرین از این افراد در تشکیلات نظامی و پلیس استفاده می‌کند که خود نشان از تبعیض شدید مذهبی در این کشور دارد.

**۴) فاصله طبقاتی:** عامل دیگری که در شکل‌گیری انقلاب اخیر موثر بود توزیع ناعادلانه ثروت و عمق یافتن فاصله طبقاتی بود. ثروت در بحرین در اختیار گروه اندکی است و اکثریت جامعه در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بر اساس گزارش رسمی سازمان ملل متحد هر شخصی که در بحرین کمتر از هزار دلار در ماه درآمد داشته باشد، زیر خط فقر قرار دارد این در حالی است که درآمد متوسط شهروندان بحرینی حدود ۵۰۰ دلار در ماه است. این امر بر چالش موجود بین شیعه - سنی منطبق شده و اعتراضات را شعله ور کرده است.<sup>۱</sup>

### بازیگران خارجی حوادث

بحرین توسط حکومت‌های استعماری از ایران جدا و به عنوان یک کشور مطرح گردید و به همین دلیل است که امروزه نیز نمی‌توان مدعی شد که بحرین کشور مستقلی محسوب می‌شود. به نظر برخی از کارشناسان می‌توان تحولات اخیر بحرین و به طور کلی جهان عرب را مبارزه‌ای برای استقلال واقعی دانست که تاکنون مردم عرب تجربه نکرده‌اند.<sup>۲</sup> در مورد کشور بحرین سه بازیگر خارجی اهمیت بسزایی دارند: آمریکا، انگلیس و شورای همکاری خلیج فارس که هر یک در اوضاع داخلی بحرین دخالت دارند و بسیار تعیین کننده می‌باشند.

<sup>۱</sup> - مصاحبه با راشد الراشد، پیشین

<sup>۲</sup> - حسین جابر انصاری، «تناقض‌های درون متنی اعراب»، ویژه‌نامه فرهنگ عمومی، فروردین ۱۳۹۰، ص ۱۸۲

**الف) آمریکا و انگلیس:** در مورد نفوذ آمریکا و انگلیس در بحرین باید به استقرار آل خلیفه در بحرین توجه کرد. آل خلیفه در سال ۱۸۷۳ (۱۳۸۱ سال قبل) به کمک انگلستان توانست بر بحرین مسلط شود. استعمار پیر برای حفظ سلطه خود بر مستعمراتش از شیوه‌هایی استفاده می‌کرد که به نوعی نخبگان حاکم را وابسته به خود نگه دارد. با همین هدف بود که آل خلیفه به یاری انگلستان توانستند از کویت به بحرین آمده و بر این سرزمین مسلط شوند و از آنجا که این قبیله با بافت جمعیتی این منطقه هم‌خوانی نداشتند مجبور بودند برای حفظ قدرت خویش وابستگی خود را نسبت به انگلستان و بعدها آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس حفظ کنند.<sup>۱</sup>

بر همین اساس آل خلیفه در سال ۱۸۶۸ طبق قراردادی به کشورهای تحت الحمایه انگلستان پیوست. شیخ عیسی بن علی آل خلیفه در سال ۱۸۸۰ در عهدنامه تحت الحمایگی خود نوشت: «من عیسی بن علی آل خلیفه، شیخ بحرین، بدین وسیله خودم و جانشینانم در دولت بحرین را در برابر دولت بریتانیا متعهد می‌سازم که از مذاکره یا انعقاد هر نوع پیمان با هر کشور یا دولتی غیر از بریتانیا، بدون موافقت دولت نامبرده خودداری کنم و به هیچ دولتی جز بریتانیا اجازه تاسیس نمایندگی ندهم.» در ادامه قراردادهای اینگونه‌ای بود که در سال ۱۹۱۱ بحرین امتیاز استخراج نفت خود را به بریتانیا داد.<sup>۲</sup>

انگلستان در بحرین پایگاه مهم دریایی «الجفیر» را در سال ۱۹۳۵ تاسیس کرد و تا سال ۱۹۷۱ در آن مستقر بود. در دسامبر ۱۹۷۱ یعنی چهار ماه پس از جدایی بحرین از ایران به دنبال موافقت‌نامه‌ای بین سفارت آمریکا و رژیم بحرین این پایگاه با امتیاز استفاده از کلیه تسهیلات بندرگاه الجفیر، فرودگاه و بندر سلمان و سایر تسهیلات بندری در مقابل ۲۵ میلیون لیره استرلینگ به آمریکا واگذار شد. این پایگاه مرکز اطلاعات

<sup>۱</sup> - حسین صباح زنگنه، «بحرین: تقابل پایگاه پنجم نظامی آمریکا و پایگاه دوم اکثریت شیعیان»، ویژه نامه فرهنگ

عمومی، فروردین ۱۳۹۰، ص ۱۹۵

<sup>۲</sup> - مرتضی بحرانی، پیشین، ص ۲۷

آمریکاست و عمده‌ترین مرکز فرماندهی نیروی دریایی آمریکا بین فیلیپین و دریای مدیترانه و همچنین مرکز فرماندهی خاص خاورمیانه محسوب می‌شود.

از سال ۱۹۸۵ به بعد تحرکات آمریکا به تدریج در این پایگاه افزایش یافت به طوری که در ۱۹۸۷ آمریکا مبادرت به تخلیه انواع وسایل و تجهیزات نظامی در بحرین نمود و به تعداد ناوهای جنگی و پرسنل نظامی خود در این امیرنشین افزود. علاوه بر این پایگاه دریایی، آمریکا دو مرکز نظامی دیگر در بحرین دارد که هر دوی آنها در اختیار نیروهای واکنش سریع آمریکاست. بیش از ۱۵۰ مشاور نیروی دریایی آمریکا و وابستگان آنها و حدود ۳۰۰۰ سرباز نیروی دریایی آمریکا با خانواده‌های خود در بحرین بسر می‌برند.<sup>۱</sup> با شکل‌گیری شورش‌های دهه ۹۰ در بحرین، حاکمان بحرین به دلیل ترس از اعتراضات مردمی با انعقاد قراردادهای متعدد امنیتی با آمریکا و انگلستان، سیستم امنیت خود را در اختیار نیروهای امنیتی انگلستان قرار داد.<sup>۲</sup>

ب) شورای همکاری خلیج فارس: یکی دیگر از بازیگران مهم در منطقه و موثر در تحولات بحرین شورای همکاری خلیج فارس<sup>۳</sup> می‌باشد که به رهبری عربستان در ماه مه ۱۹۸۱ (حدود هشت ماه پس از آغاز جنگ ایران و عراق) در شهر ابوظبی امارات متحده عربی شکل گرفت.<sup>۴</sup> این نهاد منطقه‌ای در ابتدای کار، نگاهی امنیتی به این پیمان نداشت، اما پس از چند سال کشورهای عضو به این نتیجه رسیدند که با توجه به تحولات و رویدادها دهه ۱۹۸۰ می‌بایست مسائل امنیتی را نیز مدنظر قرار دهند.<sup>۵</sup> جالب آنجاست که عربستان از بدو تاسیس این شورا تلاش کرد تا به شورا شکلی امنیتی و نظامی بدهد اما به پیشنهاد کویت و تصویب اعضا مقرر شد که شورا در سطح

<sup>۱</sup> - معصومه سیف افجه‌ای، کتاب سبز بحرین، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، ص ۲۰ و سیف الرضا شهابی،

پیشین، ص ۱۶۱

<sup>۲</sup> - حسین صباح زنگنه، پیشین، ص ۱۹۶

<sup>۳</sup> - PGCC (persian Gulf Cooperation Council) مجلس التعاون لدول الخلیج [فارس]

<sup>۴</sup> - بی نام، المنطلقات و الاهداف مجلس التعاون لدول الخلیج، سایت شورای همکاری خلیج فارس به آدرس

<http://www.gcc.sg.org>

<sup>۵</sup> - سیف الرضا شهابی، پیشین، ص ۱۲۸

اقتصادی عمل کند. این مورد در بند ۵ ماده ۱۲ شورا گنجانده شد. اما در سال‌های بعد شورا به سمت پیمانی امنیتی پیش رفت تا آنجا که در سال ۱۹۸۷ دولت‌های عضو شورا یک استراتژی امنیتی جامع به عنوان چارچوب عمومی برای همکاری و هماهنگی امنیتی بین خودشان به تصویب رساندند و در سال‌های بعد یعنی سال ۱۹۹۴ نیز قراردادی امنیتی بین دولت‌های عضو به امضا رسید. در سایت شورا منظور از همکاری امنیتی چنین بیان شده است: «هدف همکاری امنیتی، تقویت هماهنگی میان دولت‌های عضو برای دستیابی به یک وضعیت پایدار در بین نهادهای امنیتی دول عضو می‌باشد». با توجه به این موارد است که می‌توان همکاری در زمینه امنیتی را یک همکاری چند بعدی دانست که شامل عبور و مرور و داد و ستد، تنبیه و تادیب بنگاه‌ها و موسسات، مهاجرت و پاسپورت، امنیت فرودگاهی، مواد مخدر، قاچاق اسلحه و مواد انفجاری، گاردهای مرزی و دریایی و دفاع شهری می‌شود.<sup>۱</sup>

با توجه به این موارد است که برخی از پژوهش‌گران معتقدند که این همکاری امنیتی تنها مربوط به حملات از خارج نیست بلکه تحرکات و شورش‌های داخلی را نیز شامل می‌شود که می‌بایست دیگر دولت‌های عضو دست به اقدام بزنند و به دفاع از حکومت علیه قیام‌های مردمی پردازند. این پژوهش‌گران اغلب به آگاهی این کشورها از وجود شکاف‌های مختلف اجتماعی در کشورشان اشاره می‌کنند که اعضای این شورا را به سمت پیمان امنیتی این چنینی سوق داده است.<sup>۲</sup>

بر اساس توافق امنیتی که در بالا توضیح داده شد «نیروهای سپر جزیره» در نوامبر ۱۹۸۲ تاسیس شد. در سال ۱۹۸۶ مقر این نیروها متشکل از ۵ هزار نیروی نظامی در منطقه "حفر باطن" در شمال شرقی عربستان سعودی تعیین گردید و در سال ۲۰۰۰ رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با افزایش تعداد نیروهای سپر

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۲۹

<sup>۲</sup> - سیف الرضا شهبابی، «دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس PGCC»، ص ۸، به نقل از سایت مطالعات خلیج فارس به آدرس <http://www.Prsian gulf studies.com>

جزیره موافقت کردند و اقداماتی جهت توسعه نیروها و مدرنیزه نمودن تجهیزات نظامی آن صورت گرفت. در اکتبر ۲۰۰۲ نیز وزیران جنگ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در مسقط پایتخت عمان گردهم آمدند تا طرح‌ها و برنامه‌های نظامی و راهبردهای جدیدی جهت توسعه و گسترش این نیروی نظامی خلیجی ارائه دهند و اعلام کنند که آمادگی دارند، تعداد نیروهای نظامی نیروهای سپر جزیره را به ۲۲ هزار نفر افزایش دهند. در ماه مارس سال ۲۰۱۱ پادشاهی بحرین به بهانه دفاع از منافع استراتژیک کشور خود، اما در واقع برای سرکوب قیام مردم بحرین که از ۱۴ فوریه در این کشور آغاز شد، خواستار ورود نیروهای سپر جزیره به این کشور شد.<sup>۱</sup>

آنچه که در این میان باقی می‌ماند نقش عربستان در ورود نیروهای سپر جزیره به بحرین و کشتار مردم است که باید در کنار همکاری این کشور با آمریکا مطالعه شود. بحرین در منطقه با عربستان روابط ویژه‌ای دارد. خاندان حاکم آل خلیفه، در اصل از قبایل ساکن سرزمین نجد واقع در عربستان سعودی هستند. همچنین پیوند سببی آل خلیفه با آل سعود (ازدواج شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین با دختر امیر عبدالله بن عبدالعزيز آل سعود پادشاه عربستان) این مناسبات را به اوج خود رسانیده است. این مناسبات باعث شده عربستان توجه ویژه‌ای به بحرین داشته باشد و با کمک‌های بلاعوض به بحرین، افزایش سهم نفت بحرین در حوزه مشترک نفتی «ابوسفه» و احداث پل ارتباطی ۲۵ کیلومتری در سال ۱۹۸۶ با هزینه معادل ۶۰۰ میلیون دلار نفوذ زیادی در خاندان حکومتی بحرین پیدا کند.<sup>۲</sup>

منافع عربستان در حفظ حکومت آل خلیفه در بحرین تنها به موارد بالا خلاصه نمی‌شود و به لیست بالا باید سه مورد زیر را نیز اضافه کرد:

**نکته اول** به بافت جمعیتی بحرین باز می‌گردد که با جمعیتی اکثریتی شیعه می‌تواند

<sup>۱</sup> - بی نام «آشنایی با نیروی اشغالگر سپر جزیره»، خبرگزاری فارس ۲۷ اسفند ۱۳۸۹، به آدرس

<http://www.farsnews.com>

<sup>۲</sup> - معصومه سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۱۹۱

برای کشورهای حوزه خلیج فارس خطر ناک باشد. این نکته از آنجای اهمیت می‌یابد که بدانیم در دو کشور کویت و عربستان بافت همبسته شیعیان وجود دارد که با شیعیان بحرین در ارتباط است و امکان دارد متأثر از اتفاقات بحرین شود. علاوه بر این جمعیت شیعی ارتباط وثیقی نیز با شیعیان عراق، ایران و لبنان دارند که به خودی خود با سقوط رژیم آل خلیفه بر نفوذ آنها در جنوب خلیج فارس افزوده خواهد شد.

**نکته دوم** به نوع حکومت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس باز می‌گردد که یک نوع حکومت عشیره‌ای و خاندانی است و با بافت اجتماعی و مسائل عصر جدید هماهنگی ندارد و طی سالیان اخیر نیز تحت فشار مردم کشورهايشان قرار داشته‌اند. با توجه به این ویژگی این کشورها ترس آن دارند که با سقوط آل خلیفه حکومت‌های آنها نیز سقوط کند و مانند مرضی مسری در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس گسترش یابد.

اما **نکته سوم** به جریان نفت باز می‌گردد که نه تنها برای این کشورها بلکه برای نظام سلطه نیز اهمیت دارد. طبق آمارها حدود ۴۰٪ از نفت مصرفی جهان از این منطقه عبور می‌کند و هرگونه ناامنی در بحرین از سوی نظام سلطه پذیرفتنی نیست. به همین جهت است که آمریکا بحرین را برای استقرار ناوگان پنجم دریایی خود انتخاب کرده است.<sup>۱</sup> حفظ جریان مداوم و امن نفت از منطقه در کنار ممانعت از نفوذ افکار شیعی و ضد صهیونیستی در کشورهای حاشیه خلیج فارس است که موجب شده عربستان و آمریکا به همکاری هم در فکر کنترل تحولات اخیر خاورمیانه باشند؛ استراتژی که کارشناسان آن را استراتژی بی‌نظمی می‌نامند تا در یک فرآیند قابل کنترل و برنامه ریزی شده به روند هژمونی منطقه‌ای خود در پوستین و نقش جدیدتر ادامه دهند. در این میان عربستان به عنوان اتاق فکر و محل اجرای اکثر استراتژی‌ها و برنامه‌های آمریکا عمل می‌کند و اهداف زیر را در نظر دارد:

۱- حسین صباح زنگنه، پیشین، ص ۱۹۶

- انجام اقدامات گسترده و متنوع برای جلوگیری از هرگونه تصمیم گیری مردمی و اجماع عمومی و یا به عبارت دیگر کنترل و هدایت برنامه ریزی شده هرگونه تحرک اجتماعی و مصادره قیام‌های مردمی؛

- حفظ امنیت و تقویت منافع رژیم صهیونیست اسرائیل؛

- استمرار سیطره بر منابع نفتی مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز تسلط بر کلیه مجاری و مسیرهای تولید، توزیع و مصرف منابع انرژی که ضمن رویکردهای اقتصادی با هدف ایجاد تعادل استراتژیک در مناطق حساس و حوزه‌های نفوذ دیگر قدرت‌های بین‌المللی از جمله چین صورت می‌گیرد؛

- جذب منابع مالی دول عربی نفت خیز با ترفندهای گوناگون از قبیل ایران هراسی و ایجاد اضطراب در میان حکام مستبد با هدف فروش گسترده تسلیحات نظامی<sup>۱</sup>؛

- و مهم‌تر از همه جلوگیری از نفوذ و گسترش تفکر انقلاب اسلامی ایران در جهان عرب و منطقه. با توجه به این اهداف است که روند حوادث در بحرین مانند آنچه که در کشورهای دیگر اتفاق افتاده است رسانه‌ای نمی‌شود و مجامع بین‌المللی در برابر آن سکوت کرده‌اند. حکومت آل خلیفه به کمک آل سعود و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به سرکوب مردم بحرین می‌پردازند و در رسانه‌ها از حرکت مردم بحرین به عنوان حرکتی فرقه‌ای و مذهبی یاد می‌کنند.

## ملاحظات

در مجموع تحولات بحرین را می‌توان متأثر از انباشت بحران در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دانست که خود تاثیراتی بر سه سطح مذکور دارد: در سطح داخلی باید از بحران هویت (وجود ساختار سکولار در بافت اسلامی)، بحران توزیع منابع (الیگارشی حاکم و استفاده از رانت توسط آنها)، بحران حکومت‌داری (وجود ساختار توتالیتر و اقتدارگرا - حاکمان قبیله‌ای، انتخابات فرمایشی)، توقعات فزاینده و در نهایت بحران

<sup>۱</sup> - نبی‌الله راشنو، «استراتژی بی‌نظمی آمریکا برای خاورمیانه و شمال آفریقا»، به نقل از سایت شخصی ایشان به آدرس <http://www.rashnoo.vcp.ir>

مشروعیت نام برد. در سطح منطقه‌ای نیز باید به وجود بیداری اسلامی در بعضی کشورها (مانند ایران و ترکیه) و ارائه هویت متفاوت در برخورد با غرب و اسرائیل و در سطح بین‌المللی نیز به وجود بحران بین‌المللی و تغییر حکومت در ایالات متحده و روی کار آمدن دموکرات‌ها و تغییرات هرچند جزئی در سیاست خارجی و چهره جدید قدرت (اینترنز، بلوتوث، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های گروهی، شبکه‌های ماهواره‌ای) اشاره کرد<sup>۱</sup>.

در عرصه داخلی بحرین در طی حکومت آل خلیفه شکاف‌های عمیقی شکل گرفته که می‌توان به این موارد اشاره کرد: شکاف‌های پادشاهی / مشروطه، توسعه / امنیت، استقلال نسبی / وابستگی اساسی، جامعه قومی و قبیله‌گی / ملت و شکاف عمیق طبقاتی. با توجه به این موارد می‌توان مشکلات بحرین را به سه مشکل زیر خلاصه کرد:

الف) فقدان دموکراسی و عدم چرخش نخبگان؛

ب) مداخلات حداکثری خارجی و نداشتن استقلال؛

ج) فقدان افق روشن از پیشرفت و تحول مثبت.

در این فضای تیره و تار است که مردم بحرین از بهمن ۱۳۸۹ به خیابان‌ها آمده و اعتراض خود را به وضع موجود اعلام کرده اند. مردمی که چشم امیدشان به آزادگان جهان است تا در رسیدن به حقوق اولیه خود به آنها کمک کنند. در سطور پایانی این متن پیشنهاداتی ارائه می‌گردد باشد تا در تضارب آرا راهی درخور برای یاری رساندن به مردم بحرین یافت شود:

\* مردم بحرین برخلاف کشورهای شمال آفریقا به غیر از خاندان حاکم دشمنانی منطقه‌ای و بین‌المللی دارند که با شرکت در سرکوب مردم این دشمنی را نشان داده‌اند. نماد این حرکت در تخریب میدان شهدای منامه (نؤلؤ) و تبدیل آن به چهار راهی با نام

<sup>۱</sup> - احمد بخشی، «چشم انداز اسلام سیاسی در تحولات خاورمیانه»، ارائه شده در همایش اسلام‌گرایی و تحولات اخیر خاورمیانه، تهران؛ دانشگاه علامه طباطبائی، اسفند ۱۳۸۹



چهارراه شورای همکاری خلیج فارس قابل مشاهده است که به گونه‌ای نشان دادن چنگ و دندان به مردم ناراضی بحرین است.

\* کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با سرکوب قیام مردم بحرین نشان دادند که با هرگونه حرکت تحول‌خواه در حوزه خلیج فارس مبارزه خواهند کرد و حاضر به پرداخت هرگونه هزینه‌ای هستند. این نوع نگاه در برخورد عربستان با الحوثی‌ها در یمن در سال ۱۳۸۸ نیز قابل مشاهده بود. باید توجه داشت که با وجود هماهنگی بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، شکاف‌های عمیقی نیز بین این کشورها وجود دارد؛ شکاف‌هایی چون نگاه امنیتی / اقتصادی (بین عربستان و کویت)، شکاف‌های مرزی که بین تمام کشورهای عضو وجود دارد؛ بقا یا انحلال نیروی سپر جزیره و یکه تازی عربستان در منطقه که مورد انتقاد اعضا است. در این موارد از دو جهت رسانه ای و مذاکرات می‌توان تعامل بین اعضای شورا را هدف قرار داد و از وحدت رویه این شورا برای مبارزه با قیام مردم بحرین جلوگیری کرد.

\* کشورهای غربی و بویژه آمریکا نیز با هرگونه تغییر ناگهانی در منطقه مخالفت و از هر فرصتی برای وقت کشی استفاده می‌کند. باید توجه داشت که ۴۰٪ نفت جهان از این منطقه تامین می‌شود و آمریکا نیز پایگاه مهمی در بحرین دارد که در صورت تغییر، مشخص نیست چه بر سر منافع آنها در منطقه خواهد آمد. با توجه به این مهم، گروه‌های معارض باید در نوع درگیری با منافع غرب، دقت لازم را داشته باشند. البته با توجه به هم پوشانی منافع غرب با حاکمان عرب منطقه نمی‌توان منتظر تغییر در استراتژی بلندمدت آنها بود.

\* سازمان‌های بین‌المللی گرچه در دست کشورهای غربی قرار دارد، با این حال این سازمان‌ها روزه‌های برای ورود و اعمال فشار بر حاکمان بحرین دارند که می‌بایست با هوشیاری مورد توجه قرار گیرد.

\* از آنجا که اغلب مردم بحرین شیعه هستند، شکاف بین دولت و مردم بر گسل مذهبی شیعه و سنی شکل گرفته است. بر همین اساس است که رسانه‌های غربی و عربی بر

فرقه‌ای و مذهبی بودن قیام مردم بحرین تاکید دارند. در مقابل وظیفه رسانه‌های مستقل است که با این سیاست مزورانه مبارزه کند. در بحرین نیز گروه‌های شیعه باید از هرگونه رفتاری که این شکاف را عمیق‌تر کند پرهیزند و در صورت امکان با مذاکرات مستقیم خواسته‌های بحق خود را به رهبران اهل سنت بحرین و دیگر کشورها انتقال دهند.

\* همانگونه که توضیح داده شد انشقاق بین گروه‌های شیعه موقعیتی اجتناب‌ناپذیر است که می‌توان با زیرکی از این تهدید، فرصتی ساخت تا بتوان با سیاستی دوگانه مذاکره و فشار (هویج و چماق) آل خلیفه را به پذیرش خواسته‌های بحق مردم وادار کرد. برای رسیدن به چنین دیدگاهی گفت و گو و هماهنگی بین گروه‌های شیعی اجتناب‌ناپذیر است.

\* در محافل مختلف از حرکت‌های تلافی جویانه علیه حکومت و عربستان سخن گفته می‌شود که طیفی از حملات مسلحانه داخلی تا حمله نظامی ایران و ... را شامل می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به فضای بحرین چنین استراتژی‌هایی با توجه به روند تحولات در آینده قابل بررسی باشد.

\* ایران و دیگر کشورهای شیعی منطقه نیز می‌بایست دو حرکت موازی را در پیش گیرند؛ این کشورها باید با مساعدت‌های معنوی، حمایت خود را از مردم بحرین نشان دهند و در صورت امکان با مذاکرات منطقه‌ای و بین‌المللی به حل بحران کمک کنند، اما نهادهای غیردولتی و بخصوص نهاد مرجعیت در قم و نجف با ارتباط‌گیری با روحانیون و علماء بحرین می‌توانند تاثیرات بیشتری بر حل بحران داشته باشند.

\* وظیفه سنگین تبلیغات رسانه‌ای و خنثی کردن حملات رسانه‌ای نیز بر عهده رسانه‌های شیعی منطقه قرار دارد که با نشان دادن واقعیت‌های منطقه به رسیدن مردم بحرین به خواسته‌هایشان یاری رسانند.

\* باید توجه داشت که شیعیان بحرین تجربه مذاکرات شکست خورده‌ای را در سال‌های ابتدای این قرن تجربه کرده‌اند که در صورت شروع مذاکرات باید مورد توجه

مذاکره کنندگان قرار گیرد تا از تکرار آن جلوگیری شود. این مهم بدست نمی‌آید مگر با هوشیاری و در میدان ماندن مردم و حمایت بی‌دریغ دیگر شیعیان جهان. در آخر باید اذعان کرد که آل خلیفه مشروعیت خود را از دست داده و دیگر بازگشت به شرایط قبلی، یعنی حکومت یک دولت قبیله‌ای، وابسته و استبدادی امکان‌پذیر نیست و آینده با اراده ملت و پایداری آنها رقم خواهد خورد. سرعت بخشیدن به این روند و رسیدن به آینده‌ای روشن به هوشیاری گروه‌های شیعی بحرین و حمایت شیعیان دیگر بستگی دارد.

و من ظلم عباد الله کان الله خصمه دون عباده (از فرمایشات امیر مومنان (ع) با مالک اشتر)

## منابع :

- ۱- بحرانی. مرتضی، جنبش‌های سیاسی-اجتماعی بحرین، تهران؛ موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱
- ۲- بختیاری. سعید (تحت نظر/ایشان)، اطلس جامع گیتاشناسی، تهران؛ موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۸
- ۳- بخشی. احمد، «چشم انداز اسلام سیاسی در تحولات خاورمیانه»، ارائه شده در همایش اسلام گرایی و تحولات اخیر خاورمیانه، تهران؛ دانشگاه علامه طباطبائی، اسفند ۱۳۸۹
- ۴- بی نام «آشنایی با نیروی اشغالگر سپر جزیره»، خبرگزاری فارس ۲۷ اسفند ۱۳۸۹، به آدرس <http://www.fars news.com>
- ۵- بی نام، المنطلقات و الاهداف مجلس التعاون لدول الخلیج، سایت شورای همکاری خلیج فارس به آدرس <http://www.gcc.sg.org>
- ۶- جابر انصاری. حسین، «تناقض‌های درون متنی اعراب»، ویژه نامه فرهنگ عمومی، فروردین ۱۳۹۰
- ۷- رشنو. نبی الله، «استراتژی بی نظمی آمریکا برای خاورمیانه و شمال آفریقا»، به نقل از سایت شخصی ایشان به آدرس <http://www.rashnoo.vcp.ir>
- ۸- سیف افجه ای. معصومه، کتاب سبز بحرین، تهران؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱
- ۹- شهبابی. سیف الرضا، دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس، تهران؛ اطلاعات، ۱۳۸۶
- ۱۰- شهبابی سیف الرضا، «دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس PGCC»، به نقل از سایت مطالعات خلیج فارس به آدرس <http://www. Prsian gulf studies.com>
- ۱۱- صباح زنگنه. حسین، «بحرین؛ تقابل پایگاه پنجم نظامی آمریکا و پایگاه دوم اکثریت شیعیان»، ویژه نامه فرهنگ عمومی، فروردین ۱۳۹۰
- ۱۲- طاهایی. علی، «بحرین؛ فریاد فروخته شیعیان عرب»، ویژه نامه فرهنگ عمومی، فروردین ۱۳۹۰
- ۱۳- قانون اساسی بحرین، به نقل از سایت مجلس شورای اسلامی به آدرس <http://www.hvm.ir>
- ۱۴- مجتهدزاده. پیروز، «جنبش‌های سیاسی بحرین و ابعاد منطقه ای آن»، سیاست خارجی، ش ۲
- ۱۵- مجتهدزاده. پیروز، «نگاهی به یک مثلث ژئوپلیتیک در خلیج فارس»، ترجمه حمید رضا ملک زاده نوری، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، س ۷، ش ۷۱-۷۲
- ۱۶- مصاحبه با راشد الراشد، سایت تابناک ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ به آدرس <http://www. Tabnak.ir>
- ۱۷- The World Factbook ۲۰۱۱ به آدرس <https://www.cia.gov>